



مصطفی داننده\*

## بازار ایستاده است، مردم می ترسند سرشان کلاه برود

آنقدر بازار ایران بی‌در و پیکر است که وقتی بنزین گران می‌شود، ماشین هم گران می‌شود. در این بازار از مردم چه انتظاری می‌شود داشت. در بازار بی‌اعتمادی نمی‌شود دنبال اعتماد گشت.

بعد از طرح سهمیه بندی و گرانی بنزین، بازار ایستاده است. هیچ‌کس وارد بازی داد و ستد نمی‌کند؛ شود. خیلی‌ها منتظر هستند ببیند چه می‌شود و بنزین با اقتصاد ایران چه می‌کند.

نمی‌شود به مردم ایراد گرفت. آنها می‌ترسند خانه یا ماشین خود را بفروشند و بعد چند روز دچار ضرر زیاد مالی شوند. این حاصل تجربه آنهاست.

مردم می‌ترسند در بازار بی‌در و پیکر ایران، کلاه سرشان برود. می‌ترسند سرمایه‌شان نصف شود. می‌ترسند بازار آنها را از عرش به فرش برساند.

بازار با هر کرشمه‌ای از سوی دلار و بنزین دچار نوسان شدید می‌شود. دچار بحران‌های اساسی. پس باید به مردم حق داد که نگران باشند.

روز قبل از سهمیه بندی برخی که از خبر گرانی آگاه شدند، ماشین خود را روشن کردند و بدو رفتند تا باک خودروی خود را از بنزین هزار تومانی پر کنند. حتی شاید تازه بنزین زده بودند اما ۵ لیتر بنزین هزار تومانی هم برای خیلی‌ها ارزشمند بود.

پر کردن یک باک بنزین هزار تومانی مساوی به آرامش است و حس این که خدا رو شکر، سرم کلاه نرفت.

این بازار بل‌بشو، مردمی را به بار می‌آورد که همیشه حس می‌کنند کسانی هستند که مثل گرگ در پی تصاحب اموال آنها هستند.

ماجرای پوشک یادتان هست. گران شد و خیر گران شدن روز افزونش هم دست به دست شد. آنهایی که بچه داشتند تمام داروخانه‌های شهر را گز کردند تا پوشک بخرند و دیو کنند. مردم ترسیده بودند اگر نخرند دست‌شان به پوشک نرسد و مجبور شوند به شیوه‌های قدیمی پناه ببرند تا بچه‌هایشان دچار مشکل نشود.

آنقدر بازار ایران بی‌در و پیکر است که وقتی بنزین گران می‌شود، ماشین هم گران می‌شود. در این بازار از مردم چه انتظاری می‌شود داشت؟ در بازار بی‌اعتمادی نمی‌شود دنبال اعتماد گشت.

در این شرایط چه باید کرد؟

در گام اول مسئولان کشور باید شرایطی را فراهم کنند که مردم احساس آرامش داشته باشند و از آینده خود مطمئن شوند. متأسفانه مردم این روزها از فردای خود اطمینان ندارند چه برسد به ماه و سال! آینده مه‌آلود، باعث می‌شود همه تنها جلوی پای خود را ببینند و کاری به ده‌ها کیلومتر آن طرف تر نداشته باشند.

گام دوم خود مردم هستند. ما باید عطش خرید را در خود کم کنیم و زندگی کردن در زمانه گرانی را یاد بگیریم. خیلی از کالاهایی که گران است شاید چندان مورد نیاز ما نباشد، آنها را نخریم. برخی کالاها اساسی است و گاهی مردم مجبور به

خرید می‌شوند اما برخی خریدها واقعاً ضروری نیست و مشکلی در زندگی ما ایجاد نمی‌کند.

\*روزنامه‌نگار

منبع: عصرایران